

متن کامل سخنان دکتر اسدالله مرادی در کنگره سازمان معلمان ایران

ضرورت بازاندیشی در نظام آموزش و پرورش

موضوع صحبت من درباره بی‌عدالتی‌ها در نظام آموزش و پرورش است. این موضوع را می‌توان از چند منظر بررسی کرد: یکی از جنبه‌های سخت‌افزاری و دیگری از جنبه‌های نرم‌افزاری. سال‌ها فکر می‌کردم که اگر رئیس‌جمهور یا وزیر آموزش و پرورش یا مسئولان ستادی به مدارس سر بزنند، بسیاری از مشکلات حل خواهد شد. اما به مرور زمان متوجه شدم که این دیدگاه خوش‌بینانه‌ای بود و حتی اگر رئیس‌جمهور یا وزیر هر روز به مدارس سر بزنند، باز هم تغییری در وضعیت کودکان ایجاد نخواهد شد، مگر اینکه ساختارها و رویکردها اصلاح شوند. امروز نه حال خودمان خوب است، نه حال کودکان، نه حال معلمان و نه حال مردم. از این رو، لازم است که بیشتر با هم گفتگو کنیم و بازاندیشی داشته باشیم. به دوستانی که در تشکیلات مرتبط فعالیت می‌کنند، توصیه می‌کنم که راه‌های طی‌شده را بازبینی کنند. ما همیشه باید با هم گفتگو کنیم تا بفهمیم کجا ایستاده‌ایم، معلم کجا ایستاده است، تشکیلات کجا ایستاده است و جمهوری اسلامی کجا ایستاده است.

عدالت باید در مدارس، به‌ویژه برای کودکان، در اولویت قرار گیرد

در مورد بی‌عدالتی‌ها، به اختصار می‌گویم که در صد تا صد و پنجاه سال گذشته، موضوع آزادی و عدالت همواره مطرح بوده است. البته این موضوع همیشه وجود داشته، اما در قالب تشکیلات و اردوگاه‌هایی که در جهان شکل گرفته‌اند، بحث عدالت و آزادی مطرح شده است. در نهایت، اردوگاه آزادی‌خواهان پیروز شد و اردوگاه عدالت‌خواهان شکست خورد. نمونه‌های آن را می‌توان در کشورهایمانند شوروی و چین دید که امروز در حال بازاندیشی درباره راه‌های طی‌شده خود هستند. ما نیز باید ببینیم که در مدرسه برای یک کودک، کدام یک اولویت دارد: عدالت یا آزادی؟ من شخصاً معتقدم که علیرغم پیروزی‌های اردوگاه راست و شکست اردوگاه چپ، در مدرسه برای یک کودک، عدالت اولویت دارد. ممکن است برای یک دانشجو آزادی مهم باشد، اما برای یک کودک، عدالت باید در اولویت قرار گیرد. کودک نیاز دارد که در کلاس

درس فضایی عادلانه وجود داشته باشد تا معلم بتواند با شفقت و عدالت با او رفتار کند. در آموزش و پرورش، به ویژه در دوره ابتدایی، عدالت باید بر آزادی تقدم داشته باشد، زیرا کودک مکانیزم دفاعی و جبرانی قوی‌ای در برابر آسیب‌ها ندارد.

در ادامه، به برخی از بی‌عدالتی‌های موجود در آموزش و پرورش اشاره می‌کنم. اولین مسئله این است که معلمان باید مسئله‌ای برای خود تعریف کنند. تشکیلات صنفی معلمان باید از انسانیت، آزادی و عدالت دفاع کند، نه فقط از حقوق خودشان. یکی از دلایلی که صدای معلمان به درستی شنیده نمی‌شود، این است که آن‌ها بیشتر از حقوق خود دفاع می‌کنند و کمتر از حقوق کودکان و دانش‌آموزان صحبت می‌کنند. معلمان مانند دیگر صنف‌ها، مانند رانندگان تاکسی یا کارگران، نیستند. اگر بخواهیم این حوزه بهبود یابد، باید بازاندیشی کنیم.

بی‌عدالتی‌های ساختاری در حقوق معلمان

اولین مسئله بی‌عدالتی، تفاوت فاحش در حقوق معلمان و برخی دستگاه‌های دیگر است. دولت که باید حافظ منافع مردم و عدالت باشد، به یک نفر ۱۵ میلیون و به دیگری ۱۵۰ میلیون می‌دهد. این تفاوت‌ها در بیمه تکمیلی و دیگر مزایا نیز دیده می‌شود. معلمی که تمام حقوق سالانه‌اش را جمع می‌کند، نمی‌تواند از امکاناتی که برخی دستگاه‌ها دارند، استفاده کند.

سرانه آموزشی: شکاف عمیق بین ایران و کشورهای توسعه‌یافته

مسئله دیگر، سرانه آموزشی است. با توجه به تورم موجود، سرانه آموزش و پرورش در ابتدای سال ۳۰۰ دلار و در پایان سال به ۲۰۰ دلار کاهش می‌یابد. در کشورهای توسعه‌یافته، این سرانه بیش از ۱۵ هزار دلار است. برای مثال، در آمریکا، سرانه آموزشی بیش از ۱۸ هزار دلار است و ۱۶ میلیون کودک فقیر از طریق مدرسه غذای خود را دریافت می‌کنند. در کشورهای توسعه‌یافته، بیش از ۵۰ درصد بودجه آموزش و پرورش صرف کودکان می‌شود، نه فقط معلمان. در ایران، در بهترین حالت، سرانه آموزشی ۳۰۰ دلار است. اگر بخواهیم حداقل عدالت رعایت شود، این سرانه باید به ۶۰۰ دلار افزایش یابد و در شرایط بهتر، به ۱۰۰۰ دلار برسد. این اعداد و ارقام نشان می‌دهد که چقدر فاصله داریم.

بررسی تأثیرات منفی رقابت شدید بر کودکان و نظام آموزشی

در مورد بی‌عدالتی‌های نرم‌افزاری، باید به سیستم رقابتی حاکم بر آموزش و پرورش اشاره کنم. این سیستم مانند یک اختاپوس، خانه، مدرسه، معلم، موسسات غیرانتفاعی و کنکور را درگیر کرده است. خانواده‌ها مجبورند هزینه‌های سنگینی برای آموزش فرزندان خود پردازند. ما به عنوان معلم باید ببینیم که آیا این رقابت برای کودکان سازنده است یا نه. آیا این رقابت به کودک کمک می‌کند یا به او آسیب می‌زند؟ ما باید از لنز کودک به این موضوع نگاه کنیم و ببینیم که آیا رقابت در کلاس درس برای کودک مفید است یا خیر.

در پایان، باید به این نکته توجه کنیم که ما به عنوان معلم، باید به خودآگاهی تاریخی برسیم. وقتی در کلاس درس حاضر می‌شویم، باید ببینیم که آیا کودک دوست دارد ما را ببیند یا نه. اگر کودک دوست ندارد ما را ببیند، آیا می‌توانیم تأثیر تربیتی مثبتی روی او بگذاریم؟ این یک مسئله وجدانی و قانونی است. ما باید در مدرسه با کودکان تمرین حقوق کودک کنیم و به آن‌ها بیاموزیم که حقوقشان چیست و چگونه می‌توانند از آن دفاع کنند.

با تشکر از توجه شما و عذرخواهی بابت طولانی‌شدن صحبت‌ها.

لازم بذکر است کنگره سازمان معلمان ایران 25 بهمن در تهران برگزار شده بود